

از نویسنده فاضل

آقای محمد جوان حاجتی

به طرفداران تساوی حقوق زن و مرد

زن از نظر علی علیه السلام

یکی از فرآورده‌های قابل توجه تمدن جهانی عصر حاضر، افکار خاص عقیدتی و نظرات تازه حقوقی و اجتماعی است که از طرف پاره‌ای از دانشمندان این عصر، بمعرض افکار جهانیان گذاشته میشود و اکثراً بر اثر خلاء فکری و نبودن تکیه گاه صحیح و عمیق اعتقادی مورد قبول مردم جهان قرار میگیرد. مردم انانی و مطالبات فرنگی این افکار و نظرات، گاهی بامعتقدات اصولی و گاهی باقوانین و دستورات ادیان اصطکاک پیدا میکند که احیاناً این اصطکاک و برخورد خیلی شدید و خطرناک است و در این میانه، مخصوصاً دیانت اسلام که بطور جامع‌تر و صریح‌تر، اعتقادات اصولی و نظرات اجتماعی و حقوقی خود را ابراز داشته، با افکار روز آنجا که بانظر خودش موافقت نداشته باشد؛ از در محاجه و استدلال وارد میشود.

این جمله راه‌مینجا میگوئیم که: اسلام، معتقد است همه آنچه او بمعرض افکار جهانیان گذاشته، از سر چشمه فطرت و طبیعت عالم

سیرا ب شده و هر عقیده و قانونیکه بر خلاف آن باشد بر خلاف فطرت و سنت ثابت خلقت است . روی همین اصل است که اسلام خود را دین ابدی بشر میدانند و تامادام که سنت خلقت و اساس فطرت پا برجاست ، دین اسلام هم متقن و محکم است .

البته این جمله بعنوان مقدمه و مدخل بحث حاضر ذکر شد ، و الا مطلب خیلی مفصلتر از آنست که در این مختصر بگنجد . غرض آن بود که اسلام ، حق دارد خیلی جدی تر و قاطعتر از سایر ادیان ؛ وارد این مباحث شود و نظرات ثابت یا نفی ابراز دارد و از آن نظر که خود را مسیطر بر تمام احوال و حالات و از منته و امکانه میدانند بخود حق میدهد که در تمام شئون بشر اعم از امروز و دیروز و فردا و پس فردا ، اظهار نظر صریح و قاطع کند .

گاهی نظر اسلام ، با نظر دانشمندان روز ، بطور جدی مخالف است و حاضر بهر گونه استدلال و احتجاج برای اثبات حقانیت خود نیز می باشد .

* * *

یکی از موارد اصطکاک نظریات روز با افکار اسلام ، مسئله تساوی حقوق زن و مرد و یا با اصطلاح « فمی نیزم » است . « تز » مذکور در دنیای حاضر طرفداران زیادی دارد و میتوان گفت که تقریباً دنیا طرفدار این « تز » است ! .

البته مقصود ما از اینکه گفتیم دنیا طرفدار این « تز » است اینست که در تمام جوامع بشری امروز ، عملاً زنان را در کنار مردان نشانده-

اند و آنان را در امور اجتماعی و سیاسی با مردان همدوش قرار داده اند.

و هیچ بعید نیست که بعضی از دانشمندان و متفکرین اقوام و ملل، با این رویه مخالف باشند ولی بر اثر اوج عظیم این فکر و موج قوی و نیز و مندی که در فکر عموم طبقات ملت‌ها افکنده است نتوانند عقیده خود را بی پرده بیان کنند و معذک گاه بگاہ، در گوشه و کنار؛ اظهاراتی از طرف آنان بروز میکند که مخصوصاً برای مردمی که این قبیل اظهارات را از طرف دانشمندان، متفکرین، فلاسفه و نویسندگان عصر حاضر، وحی منزل میدانند سندیت قطعی دارد.

البته برای شیفتنگان تمدن روز، خیلی مشکل است اینگونه اظهارات را بطور جدی بپذیرند و بمرحله عمل در آورند و مشکل تر آنکه نظریه ۱۴۰۰ ساله اسلام را قبول کنند ولی ما در این مقال با کسانی گفتگو میکنیم که بی قید و شرط، شیفته تمدن نباشند و بلکه مظاهر تمدن را در ترازوی عقل و وجدان بسنجند و خوب و بد آنرا از هم باز شناسند اگر چنین سنجشی بعمل آید، ارزش آزادی شهوات و بی بندوباری جوانان و شکستن حدود حقوق اصلی و طبیعی زن و مرد، بخوبی نمایان خواهد شد و آدم منصف و با وجدان در خواهد یافت که این صفحه کتاب تمدن بسی تاریک، آلوده، زیان بخش و گمراه کننده است.

با ذکر این نکته، که همه چیز تمدن؛ قابل قبول نیست روزنه

امیدی باز میشود که ما مردمان حقیقت‌جو و باانصاف را بمطالعه در باره نظر اسلام و گفتار نماینده والا مقام آن دعوت کنیم.

اجازه بدهید پیش از ورود ببحث بمنظور اینکه نظر خواننده ارجمند را بمقام والای زن در اجتماع اسلامی جلب کنیم، چند جمله در این زمینه سخن بگوئیم که اسلام و رهبران بزرگ این آئین آسمانی بنا چه نظر بلندی باین رکن اساسی اجتماع انسانی می‌نگریسته‌اند.

توجه داشته باشید که محیط دین و تمدن و فلسفه قبل از اسلام بزین بعنوان يك اثاثیه قابل خرید و فروش و قرض و عاریه نگاه نمی‌کردند و این ماجرای اسفانگیز تنها در جزیره العرب جریان نداشت، بلکه حتی در ایران ورم نمونه‌های حیرت‌آوری بچشم می‌خورد.

مثلاً بکمال تعجب مشاهده می‌شود که سقراط فیلسوف و دانشمند بزرگ زن خود را که گران‌تیب نام داشت به آلیس‌بیگ قرض داده در جزیره العرب دخترها را می‌گشتند و بر اثر کمبود زن، چند مرد بیک زن اکتفا می‌کردند و بجهت بدنیا آمده بمردی تعلق داشت که شباهت بیشتری با او میداد!

و تعجب ما بیشتر خواهد شد وقتی که ملاحظه می‌کنیم تا همین اواخر، در اسپانیا و ایتالیا کاتولیکها در این موضوع بحث می‌کردند که آیا روح زن مثل مرد، جاویدان است یا خیر؟ و بالاخره معلوم شد که چون روح زن برزخ بین انسان و حیوان است جاویدان نیست باستثناء روح حضرت مریم خدراء سلام الله علیها.

باور می‌کنید که در قانون مدنی فرانسه، زن شوهر دار صغیر

و محتاج به «قیم» معرفی شده است ؟ همین چند جمله برای نشان دادن ارزش زن در اجتماعات گوناگون قبل و حتی بعد از اسلام کافیتست و اکنون نظر والای اسلام را ملاحظه میکنیم :

آیات بیشماریکه در قرآن مجید زن و مرد را در کنار هم قرار داده شاهد خوبی برای اهمیت دادن بمقام زن است و علاوه پیغمبر اکرم ﷺ فرمود :

«زن مانند ریحان و گل است ، قهرمان نیست (۱) .

باز فرمود : «جز آدم بزرگ و کریم زنان را گرامی نمیدارد ، و بجز مردمان پست ؛ زن را پست نمیدارند (۲) .

اسلام میگوید: بزین هنر و صنعت بیاموزید ، مطابق میلش او را بشوهر بدهید ، خانه و لباس و خوراک و سایر لوازم زندگی زن طبق قانون اسلام بدوش مرد است ، مرد حق کوچکترین تجاوزی بحقوق و اموال زن ندارد ، و قتیکه زن بمقام ارجمند مادری برسد چنان مقامی پیدا خواهد کرد که از نظر قرآن احترامش بعد از مقام خدائی است (۳) و این عظیمترین مقامی است که ممکن است بیک بشر داده شود .

ملاحظه میکنید که زن بیکت اسلام یک خانم مجلی است که یک کار مندمفت و مجانی بنام شوهر دارد پسر او نیز بر اثر احترام مقام مادر ، همچون غلامی او امر مادر را اجرا میکنند ، دختر هم همچون کلفتی

(۱) المرءة ریحانة ولیست بقهرمانة

(۲) ما اکرم النساء الا کریم و ما هانهن الا لثیم

(۳) وقضى ربك ان لاتعبدا الا اياه وبالوالدين احسانا

در برابر مادر انجام وظیفه میکند .

بدین ترتیب یکزن مسلمان همچون ملکه‌ای در محیط مقدس خانواده امر و نهی میکند . نمیخواهیم در زمینه فضیلت زن از نظر اسلام بطور تفصیل سخن بگوئیم و این مطالب را خواننده در کتابهای مربوطه مفصل میخواند ، فعلا نوشته مادر اطراف سخنان مولی علیه السلام درباره زن که در بدو نظر خیلی تند و خشن میآید ، بحث میکنند و اگر خواننده ارجمند ؛ حوصله این را داشته باشد که بحث را تا آخر دنبال کند ، خواهد دانست که نظریه علی علیه السلام درباره زن ، چیزی جز واقعیت مبرهن و مستدل دستگاہ آفرینش نیست . چه آنکه با وصف آن چه درباره زن از نظر مقام و موقعیت گذشت « تفاوت ساختمانی زن و مرد راهیج عاقلی نمی تواند منکر شود و این تفاوت بحکم طبیعت تفاوتی از نظر حقوق و مزایا ببار خواهد آورد .

خواننده گرامی در کلمات علی علیه السلام نظراتی از قبیل نقص عقل و ایمان زن مشاهده خواهد کرد و اگر بدقت در نوشته حاضر مطالعه نکنند در فهم کلام آن پیشوای عالیقدر ممکن است دچار اشتباه گردد .

علی علیه السلام در این کلمات نظر بتفاوتهای زن و مرد دارد و می - خواهد درل اساسی زندگی را بدست مردان بسپارد و زنان را بموقعیت حقیقی خود در جهان خلقت آشنا سازد و همانطور که خواهیم دید تمام نظرات اسلام در این کلمات بیان نشده و بلکه فقط پاره ای از جهات را مطالعه خواهیم کرد و همینقدر برای بیان پاره ای از نظرات اسلام

در رد تزتساوی حقوق زن و مرد کافی است. زیرا ما در چند مورد باتکاء نظر علی عليه السلام، ثابت میکنیم زن و مرد باهم اختلاف دارند و همین چند مورد، برای درهم شکستن اساس نظریه «فمی نیزم» بس است.

بحث حاضر که بطور صریح، نظریکی از بزرگترین پیشوایان دینی را بیان میکند مخصوصاً برای کسانی که در اثبات نظریه «تساوی» بگفته ها و سخنرانیهای حضرت زهراي اطهر و زینب کبری علیهما السلام متمسک میشوند خیلی قابل توجه و نافع است، آنها خواهند دانست که تاجه اندازه در استنتاج خود، از رویه زنان بررک اسلام دچار اشتباه شده و درست يك نظریه مخالف دین را، خواسته اند بحساب دین بگذارند. من گمان میکنم خود این افراد هم واقف باشند با اشتباه خود هستند و از مطالب مربوط به حجاب و عفاف فاطمه اطهر و زینب کبری علیهما السلام و سایر زنان باشخصیت اسلام، چیزهایی شنیده اند که صدر صد با آنچه در صد استفاده آنند مخالف و مباین است.

اجازه بدهید اینک متن چند گفتار علی عليه السلام پیشوای بزرگ اسلام را نقل کنیم و سپس بشرح اجمالی آن بپردازیم:

- ۱- «ای مردم! ایمان؛ بهره و عقل زنها کم است ایمانشان کم»
 «است، زیرا در ایام حیض، از نماز و روزه معافند. عقلشان»
 «کم است، زیرا شهادت دو زن در حکم شهادت یک مرد»
 «است. بهره شان کم است، زیرا ارثشان نصف ارث مردهاست»
 «از زنهای بدبهره میزد و از زنهای خوب هم بر حذر باشید! در کار»

- « نیک از زنهای پیروی نکنید تا طمع در کار بدنکنند » (۱)
- ۲- : « تکبر ، ترس و بغل که بدترین صفات مردان است ،
 « بهترین صفات زنان محسوب میگردد زیرا : اگر زن
 « تکبر داشته باشد ، خودش را تسلیم نمی کند و اگر بخیل
 « باشد مال خود و شوهرش را حفظ میکند و اگر ترسو
 « باشد در مورد هر پیش آمد (ناگواری) ، فزع میکند (۲) .
 ۳- : « غیرت زن ، کفر و غیرت مرد ایمان است » . (۳)

حالا فرمایشات مولی علیه السلام را مورد بررسی و دقت قرار میدهیم
 و در باره نکاتی هم که در این کلمات خیلی بنظر بانوان روشنفکر و
 طرفداران آنها ، تند میآید ، بحث میکنیم تا معلوم شود در این کلمات
 هیچگونه مسامحه ای بکار نرفته و اغراقی هم در مذمت زنان گفته
 نشده و بلکه علی بن ابیطالب علیه السلام متن واقع و حقیقت را بدون کم و زیاد ،
 برای مردم بیان کرده است .

(۱) معاشر الناس ان النساء نواقص الايمان ، نواقص الحفظ ، نواقص
 العقول : فاما نقصان ايمانهن فقعودهن عن الصلوة والصيام في ايام حیضهن
 واما نقصان عقولهن فشهادة امرأتین كشهادة الرجل الواحد واما نقصان
 حفظوظهن فمواديشهن على الانصاف من مواديث الرجال ، فاتقوا شرارا النساء
 وكونوا من خيارهن على حذر ولا تطيعوهن في المعروف حتى لا يطمعن
 في المنكر . نهج البلاغه ص ۱۲۵ ج ۱ ط مصر (عبده)

(۲) خيار خصال النساء ، شرار خصال الرجال . الزهو و الجبن و
 البخل فاذا كانت المرأة مزهوة لم تمكن من نفسها و اذا كانت بخيلة حفظت
 مالها و مال بعلها و اذا كانت جبانة فرقت من كل شيء يعرض لها
 (۳) غیرة المرأة کفر و غیرة الرجل ایمان .

در اینجا لازم است بیکمده از افراطیون طرفداران مکتب «فمی نیزم» یاد آور گردیم که پیش از مطالعه و بررسی در حقیقت کلمات علی علیه السلام پیشوای بزرگ اسلام، بحکم تعصب خشن وتند، سر از قبول عقیده مولی علیه السلام در باره زنان باز نزنند و یا خدای نا کرده، ب بهی ادبی وجسارت بمقام اقدس ولایت نگشایند بلکه متوجه باشند گوینده این کلمات، شخصیت برجسته وعظیمی است که نه تنها مسلمین بلکه بیگانگان از دین بعلو مقام و رفعت درجه و کمالات لا یتناهای علمی او؛ معترفند. باید در این کلمات دقت کرد و نظر علی علیه السلام را درباره زن درک کرد.

خلاصه نظریات علی علیه السلام را به ترتیب زیر خلاصه میکنیم:

۱ - ایمان زنها کم است: (در ایام حیض از روزه و نماز معافند)

۲ - بهره (ارثی) زنها کم است (نصف سهم میبرند)

۳ - عقل زنها کم است (شهادت دوزن در حکم شهادت يك

مرد است).

۴ - پاره ای از صفا تیکه برای مرد بد است؛ برای زن

خوب است.

مولی علیه السلام در ضمن بیانات حکمت آمیز خود یکی دونصیحت

سود مندی هم خطاب به مردان کرده که از نظر خواننده محترم

گذشت.

اکنون باید معنی مطالب مولی علیه السلام را دانست:

۱ - کمی ایمان زنها

از نظر وضع روز؛ این بحث زیاد صحبت ندارد زیرا زنان و طرفداران «تساوی» هیچگاه، از این مقوله سخنی بمیان نیاورده‌اند که محتاج انتقاد باشد و یا بهتر بگوئیم، برای آنان این مطالب چندان شایان اهمیت نیست که زنها از نظر ایمان ناقصتر از مردان باشند. ولی ذکر این نکته خالی از فائده نیست که شرح نهج البلاغه گفته‌اند که مراد از «ایمان» در این کلمات، همان اعمال و کارهای عبادی است نه خود اعتقاد درونی (۱) **اَلْاِيْمَانُ فَيْضِيَّةٌ**

۲ - بهره کم :

گفتگو در باره کمبود بهره‌ارث زن تازگی ندارد و این ایراد و اعتراض در زمان خود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سپس در زمان ائمه طاهرين هم مطرح بوده است، خود زنها بر اثر آزادی گفتار و انتقاد و سؤال، بحضور پایه گذار اسلام می‌رفتند و سؤال می‌کردند.

مثلاً یکن سؤال خود را بدین صورت در محضر رسول اکرم صلی الله علیه و آله مطرح کرده که: چرا دوزن در ارث و شهادت، در حکم یکمرد است؟، و جواب شنید که: علت آنستکه شما عقل و دینتان کم اهمیت

(۱) شارح خوئی درج ۵ ص ۳۰۴ روایتی از کافی نقل میکند که بامیر المؤمنین «ع» گفتند: هر کس شهادتین بگوید مؤمن است؟ حضرت فرمود: پس واجبات خدا کجا می‌رود؟ و حضرت باقر (ع) فرمود: اگر ایمان فقط گفتار بود، دیگر نماز و روزه و حلال و حرام، نازل نمیشد عبده و ابن ابی الحدید هم همین مطلب را می‌گویند.

شما نصف عمرتان را برای خاطر حیض نماز نمیخوانید! لعن و نفرین زیاد میکنند، از نعمت شوهر سپاس نمیگوئید، ممکن است زنی ده سال پیش شوهر خود بماند که همهٔ مخارجش را شوهر میدهد و باونیکمی میکند ولی وقت تنگدستی بشوهر میگوید: من از تو خیر ندیدم (۱)

البته جواب رسول اکرم صلی الله علیه و آله مطابق فهم آنزن داده شده و برای اسکات او بوده، و جواب حسابی و علمی این سؤال از گفتار پیشوای ششم و هشتم بخوبی واضح میگردد:

ابن ابی العوجاء مادی مشهور می گفت: چرا زن بیچاره يك سهم میگیرد ولی مرد دوسهم؟ این ایراد را بحضرت صادق علیه السلام عرض کردند، فرمود: برزن چهارم، خرجی، دیه، غرامت واجب نیست (۲)

حضرت رضا علیه السلام به محمد بن سنان نوشت: «علت آنست که زن میگیرد و مرد میدهد، زن نان خور مرد است و بر مرد واجب است که خرج زن را بدهد ولی بر زن واجب نیست» (۳).

و باز حضرت صادق علیه السلام فرمود: برای خاطر مهریه ایست که خداوند برای زن قرار داده است.

از مجموع این بیانات و نظائر آن معلوم میشود که: حق زن پایمال نشده و اگر در این قسمت، روی اساس مصلحت، سهمشان کمتر است از جاهای دیگری جبران شده است.

(۱) منهاج البراعه ج ۵ ص ۳۰۴

(۲) منهاج البراعه ج ۵ ص ۳۰۵ نقل از وسائل

(۳) منهاج البراعه ج ۵ ص ۳۰۵ نقل از وسائل

برای روشن شدن بیشتر مطلب ، خوب است به مخارج سالیانهٔ یکزن که بر اساس تجمل و لطافت و زیبایی نهاده شده و این خود مخارج کزافی را مستلزم است ؛ توجه شود و بدستور شرع هم توجه کنیم که زینت طلا و پوشیدن لباسهای حریر و ابریشم هم برای زن حلال است و این مطلب را هم از نظر دور نداریم که طبع زن ، خیلی ظریف پسند و دقیق و حساس است ؛ با توجه بهمهٔ جوانب امر ؛ معلوم میگردد که خرج یکزن در سال بیشتر از مرد است و شاید بدو برابر خرج مرد برسد و یا تجاوز کند و این خرج برعهدهٔ شوهر است .

ملاحظه میشود که نه تنها در بارهٔ زن اجحاف نشده بلکه استفادهٔ بیشتر از دارائی را زن میکنند و بقول استاد علامهٔ طباطبائی : تدبیر دارائی بدست مرد است و استفاده و بهره برداری از آن ، نصیب زن (۱) تا اینجا بنحو اجمال روشن شد که در تقسیم ارث ، هیچگونه ظلمی بحق زنان نشده و این حکم . از جاهای دیگر جبران شده است (۲)

۳-۴- فصل نوافص !:

در این مورد ، پیشرفتهای علمی و وقوف بر تفاوت ساختمان طبیعی زن و مرد ، جوابگوی همهٔ ایراداتی است که ممکن است طرفداران «فمی نیزم» بر این حقیقت ، وارد سازند .
دانشمندان میگویند :

(۱) در تفسیر المیزان و سالانهٔ اول مکتب تشیع این مطلب خوب تشریح شده است

(۱) ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف . (قرآن مجید)

- ۱- وزن مخ زن نوعاً صد گرم از مرد کمتر است .
- ۲- پیچیدگی و پست و بلندی مغزو دماغ که سرچشمه همه کارها و افکار عقلی است ، در دماغ زن کمتر از مرد است .
- ۳ - قسمت جلو دماغ زن نوعاً ۵۴ میلیمتر مکعب کو چکتر از مرد است .

۲ - جمجمهٔ مرد ، از تمام جهات ، وسیعتر از زن است اینها خلاصهٔ فرقه‌های عقلانی مرد و زن است که از نظر علمی ثابت میکنند عقل زن از مرد کمتر است (۱)

و با صرف نظر از تحقیقات علمی ؛ آنچه بچشم می بینیم بهترین شاهد این مدعاست . اصولاً احساس و تعقل در برابر یکدیگرند و احساسات بهر اندازه نیرومند باشد ، تعقل کمتر میشود و برعکس بهر اندازه تعقل بیشتر باشد . احساسات رام و آرام است .

زن ، یک موجود احساسی است ، سریع التاثر ، زود رنج ، رقیق القلب ، دلسوز ؛ مهربان است ، و در این امور خیلی هم حوصله دارد! مشاهدهٔ حالات یکزن بچه شیر ده که دیوانه وار نسبت به بچهٔ خود اظهار عشق و وفا میکند ، یا یکزن پرستار که نسبت به مریض خود ، مهر می‌ورزد ، یا یکزن بچه مرده که یخه چاک میزند و فریاد میکشد . . . مشاهدهٔ آن حالات ، و مقایسهٔ آن با حالت مرد مشابهی که دارای همان شرایط باشد ، بخوبی ثابت میکند که زن تاچه اندازه از مرد حساستر و رقیق‌تر و عکس‌العملش در برابر حوادث و آلام از مرد بیشتر

است. وبهمان اندازه نیروی تفکر و تأمل و تدبیر و اندیشه در او کمتر خواهد بود.

شیخ محمد عبده در ذیل این جمله امیر المؤمنین علیه السلام می نویسد:

« خداوند ، زنان را طوری آفریده که بچه بیاورند و تربیت کنند ، هنوز دوران تربیت يك بچه سپری نشده که زن باز مستعد حمل و زایمان است .. بدین ترتیب ، زن از نظر حقیقت طوری است که هیچگاه از زایمان و تربیت اولاد فراغت نخواهد یافت . گوئی که زن را برای تدبیر منزل و تربیت اولاد اختصاص داده اند و بهمین اندازه که برای این محیط تربیت ؛ عقل لازم بوده بآنان افزوده شده است شرع هم مطابق فطرت آمده است » **اگوست** گفت دانشمند شهیر اجتماعی گوید : قانون طبیعت زن را بزندگی منزلی تخصیص داده است این قانون ، تغییر پذیر نیست (۱) تأمل در این گفته ها اگر بدون تعصب انجام یابد برآستی باعث تجدید نظر در عقیده « فمی نیزم » خواهد شد خاصه آنکه گفته این دودانشمند دینی و اجتماعی ، درست مطابق هم است .

بدین ترتیب ملاحظه میشود ... ، مسئله کامل نبودن نیروی عقل زن که زنده ترین نسبتی است که بزنها داده میشود، چیزی جز حقیقت نیست گرچه بمذاق تمدن عصر جدید ، این حقیقت تلخ است .

۴- تفاوت مرد و زن در حالات روحی :

مقصود از این جمله تشریح همان دو جمله مولی (ع) است که پاره ای از صفات را برای مرد بدو و برای زن ؛ خوب می شمارد آنچه در این مختصر

می‌توان گفت: اینست که برای آنکه خوبی و بدی حالت وصفتی را درك کنیم بهتر و ساده‌ترین راه اینست که آثار و تبعات آن حالت و صفت را بررسی کنیم. اصولاً میدانیم که خوبی و بدی، اکثرآ نسبی است و خوب و بد، با تفاوت شرائط و احوال و ازمنه و امکانه و اشخاص و اغراض تفاوت میکند مثلاً زدن يك بچهٔ یتیم اگر بغرض تنبیه و در راه تعلیم و تربیت باشد، خوب و نیک و اگر بمنظور سوئی باشد بد و ناپسند است. گذشت و اغماض، در امور شخصی، خوب و در شئون اجتماعی بد است. در اوقات تنگدستی مردم، بعیش و نوش و تجمل پر داختن بد است ولی بهنگام گشایش و آسایش مردم، لباس فاخر پوشیدن و آخرین و وسائل زندگی را در اختیار داشتن خوب و غیر قابل مذمت است و همچنین... بدین لحاظ نمی‌توانیم يك عمل یا صفت خاصی را بطور مطلق، در همه جا و در مورد همه کس و در تمام شرائط و احوال، خوب یا بد بدانیم.

با توجه باین دو جهت، یعنی آثار و تبعات اخلاق و صفات مختلف، و نسبی بودن و تغییر کردن جهت خوبی و بدی در موارد مختلف می‌توانیم بدرك نظر علی علیه السلام شخصیت بزرگ اسلام نزدیک شویم و درك کنیم چه صفت بخل برای مرد بد و برای زن خوب است، تکبر و ترس برای مرد، بد و برای زن، خوب است. غیرت (در مورد امور جنسی) برای مرد، ایمان و برای زن، کفر است.

بنظر ما در بارهٔ سه صفت تکبر، بخل و ترس زیاد لازم نیست صحبت کنیم مخصوصاً آنکه خود حضرت امیر علیه السلام آثار و تبعات نیک و پسندیدهٔ این سه صفت را در زن بر شمرده است که خوانندهٔ محترم

ملاحظه فرمود .

آنچه شایان توجه و قابل بحث و دقت است ، مسئله غیرت ، در زن و مرد است . غیرت باین معنی است که مرد یا زن دارای حمیت و تعصب باشد راجع بشرکت داشتن شخص دیگری در حق خاص زناشوئی او . این معنی را علی علیه السلام در زن ، کفر و در مرد ، ایمان میدانند .

ابن ابی الحدید در ص ۳۰۲ ج ۴ شرح نهج البلاغه میگوید :

چون نهی از منکر واجب است و غیرت مرد هم بر اساس نهی از منکر یعنی جلوگیری از فحشاء است . «ایمان» است چون فعل واجب از ایمان است ، ولی غیرت زن روی خیال است و اینکه علی علیه السلام غیرت زن را کفر نامیده بدین لحاظ است که مثل «کفر» قبیح و زشت است یا بواسطه اینستکه این غیرت ، زن را بکفر میکشاند و کلمات کفر بر زبان جاری میسازد (۱) .

ولی بنظر ما وجه بهتری در معنی کفر و ایمان میرسد که ذیلا از نظر خواننده ارجمند میگذرانیم .

«کفر» در اصل لغت بمعنی پوشیدن است . کافر را از آن جهت کافر گویند که روی حقیقت را میپوشاند . کلمه «ایمان» (۲) هم در اصل بمعنی خضوع و انقیاد و فرمان برداری است و مؤمن را از آن جهت «مؤمن» گویند که

(۱) ما در ترجمه عبارت تصرف کردیم .

(۲) «آمن به» بمعنی تصدیق کردن هم آمده ولی برگشت این معنی هم

به خضوع و انقیاد در برابر گفته شخصی است که مورد تصدیق قرار گرفته است .

در مقابل حق و حقیقت، خاضع و منقاد است. حالا با توجه به ریشه اصلی این دو کلمه معنی کلام مولی علیه السلام را بدین صورت میفهمیم: دستگاه خلقت، زن و مرد را طوری آفریده که برای یکزن بیش از یکمرد نباید باشد، زیرا موجب درهم ریختن نسل و فساد اجتماع و بی بند و باری زن و مرد و صدها آثار سوء دیگر خواهد شد. اما از آن طرف، برای هر یک مرد بیش از یکزن تهیه شده است و این مطلب در جای خود کاملاً مبرهن و اثبات شده است (۱).

پس معنی کلام مولی علیه السلام که غیرت مرد را ایمان و غیرت زن را کفر شمرده بخوبی واضح میگردد: آری غیرت مرد ایمان است یعنی خضوع و انقیاد است در برابر حقیقت و واقع و دستور فطرت و شرع و اما غیرت زن کفر است، زیرا پرده پوش روی واقع و حقیقت عالم است، آنچه مقتضای غیرت مرد است مطابق با فطرت و خلقت است و آنچه مقتضای غیرت زن است درست نقطه مقابل دستگاه خلقت و بر ضد فطرت و به تعبیر علی «کفر» بحقیقت و واقع است.

این بود تعبیر علی علیه السلام در باره زن؛ و همانطور که ملاحظه فرمودید، مشاهدات روز مره و آنچه که از طرف دانشمندان عصر اظهار شده، گفته علی علیه السلام را تصدیق مینماید و کلماتی که در بدو نظر مخصوصاً برای طرف داران تساوی خیلی تند و خشن میآید، بهمان اندازه تند و خشن

(۱) نویسنده در اینجا فصلی برای اثبات «جواز تعدد زوجات» باز کرده بودند ولی چون در همین کتاب صفحه ۱۷ راجع باین مطلب بحث شده بود حذف گردید - مکتب تشیع

است که نظام طبیعت ، اختلاف زن و مرد را قاطع و محکم قرار داده است و چون علی علیه السلام ؛ واقف بکنه آفرینش و نماینده ذات اقدس ذو الجلال و سخنگوی توانای دستگاہ خلقت است ، بخوبی و بطور قاطع پرده از راز بر میدارد و خیلی صریح و بی پرده ، اظهار نظر میکند .
نصیحت به مرد ها .

دو جمله دیگر در کلام پیشوای بزرگ اسلام ، بعنوان نصیحت و پند ، ذکر شده که باید مراد آنرا درک کرد .
 یکی این جمله است : از زنهای بدبهر همزید و از زنهای خوب هم بر حذر باشید !

ابن میثم بحرانی یکی از شراح دانشمند و بزرگ نهج البلاغه می نویسد : « مراد از حذر کردن از زنهای خوب اینست که مرد ، زمام امر را شخصاً بدست گیرد و در سیاست زن ، ثابت و محکم باشد و نیز خود را در برابر زن نیک بپاید .

بنظر میرسد گفته ابن میثم وجه خوبی برای فهم معنای فرمایش علی علیه السلام باشد ، زیرا « بر حذر بودن » ؛ « احتراز کردن » و امثال آن از امور نسبی است و در هر موردی یک معنای خاصی میدهد : اگر بکسی بگویند : از برادرت یا خواهرت یا کسانیک نظیر این اشخاص که نزدیکی خاصی بمخاطب داشته باشند بهره‌یز معنایش آن نیست که بکلی ترک معاشرت و مجالست با او کن بلکه مراد اینست که حساب زندگی دست خودت باشد تا نزدیکان تو ، بر تو چیره و حاکم نشوند .

این سخن ، در مورد زنان مخصوصاً صادق است . زن خوب ، هر چند خوب باشد ولی خواه ناخواه ، بر اثر همان نقص ذاتی که دارد صلاح نیست در محیط زناشوئی و یا در محیطی وسیعتر از آن حاکم مطلق باشد . تجربه ، این سخن را بخوبی مدلل میسازد .

جمله دیگر اینست : « در کار خوب از زنها پیروی نکنید تا طمع در کار بدنکنند » .

عبده در شرح مراد علی علیه السلام می نویسد : « مقصود امام آن نیست که آدم ، فقط از آنجهت که زن بکار خوبی امر کرده ، دست از آنکار بردارد چون ممکن است آن کار واجب باشد و معنی ندارد انسان کار واجب را ترک کند بدلیل آنکه زن بآن امر کرده است ، بلکه مراد اینست که کار خوب را تنها برای خوبی آن انجام دهید نه از آنجهت که زن دستور داده است . »

بعد می نویسد : « امام فرمایشی فرموده که تجربه طی قرون متوالی بدون استثناء آنرا تصدیق کرده مگر در مورد بعضی از زنها که فطرت و ساختمانی فوق فطرتهای دیگران داشته باشند و یا بر اثر تربیت ، طبعشان برخلاف غریزه طبیعی آنها شده باشد » .

شارح خوئی و همچنین ابن ابی الحدید می نویسند : این جمله بر سیاق مثلی است که بن عرب مشهور است : به بنده خود به اندازه نیم ذراع مده ، که یکذراع خواهد گرفت ! » . (۱)

(۱) لا تعط عبدك كراعاً فیاخذ ذراعاً الكراع من الانسان : مادون الرکبة من مقدم الساق (المتجدد) مادر معنی این مثل مقداری مسامحه کردیم ولی روح مثل همان است .

علامه مجلسی بطوریکه خوئی نقل میکند چند وجه ذکر کرده که یکی اینست: « آدم کار خوب را طوری انجام دهد که زن خیال نکند بواسطه گفته او بوده و بلکه بر اثر خوبی آنکار بوده است » بطوریکه خواننده محترم ملاحظه میکند و از گفته این دانشمندان هم برمیآید مغز کلام مولی علیه السلام همان است که مرد ، در زندگی بازن ، حاکم باشد و تدبیر امور و تمشیت کارهای شخصی او بدست خودش باشد نه اینکه محکوم امر زن گردد که اگر کار خوبی رازن دستور داد ؛ انجام دهد و گرنه انجام ندهد !

اگر مقیاس کار مرد اراده و هوای زن شد و بمیزان خواسته های او کارهای خود را منتهی بد ، رشته زندگی از هم خواهد گسیخت و هواهای مختلف و انعطاف پذیر و متضاد زندگی را بر مرد شوار خواهد ساخت اگر نبض مرد بدست زن آمد و دانست که مرد مطیع اوست دیگر در همه امور اعم از پسندیده و یا ناپسند ، اراده اش را بر مرد تحمیل خواهد کرد .

نکته دیگری که بنظر نگارنده میرسد اینست که : کار زشت و منکریکه علی علیه السلام در گفته خود از آن نام می برد و میفرماید : تادر کاربرد طمع نکنند ، ممکن است طوری باشد که بنظر زن ، زشت و ناپسند نیاید ولی بر مرد بر اثر حسن تشخیص ، بخوبی واضح است که آن کار پسندیده نیست و اگر مراد او در زندگی اطاعت و پیروی از هوا های زن شد ، دیگر زن خوب و بدنمیداند و آنچه خودش تشخیص میدهد میخواهد بر مرد تحمیل کند ، قبول ندارید ، از دواج کنید و تجربه کنید و اگر زن گرفته اید تجربه کرده اید !